



درست است که همسر این مرد مقصر است اما خودش هم بی تقصیر نیست او می دانسته همسرش وابستگی زیادی به فضای مجازی دارد و باید قبل از ازدواج این مشکل را حل می کرد و به او می گفت که با این سبک زندگی مشکل دارد و بعد وارد زندگی مشترک می شدند.

## طلاق برای زندگی در فضای مجازی!

دنیال کتنده‌هایش در فضای مجازی را به نمایشگاه نقاشی دوستش دعوت کرده بود با خودم گفتیم این بهترین فرصت برای آشنایی با سارا است به نمایشگاه رفتم و همانجا نخستین دیدار رقم خورد و کم کم شرایط دوستی مان مهیا شد. چند ماهی باهم دوست بودیم. باور کنید آن چند ماه بهترین روزهای زندگی‌ام بود به یقین رسیدم که او نیمه گمشده من است و خیلی زود باهم ازدواج کردیم. اما بعد از اینکه زیر یک سقف رفتیم تازه فهمیدم چه اشتباهی کرده‌ام.

**قاضی حرف‌های نینما را قطع کرد و از سارا پرسید: شما حرف‌های همسر تان را قبول دارید؟**

دختر جوان جواب داد: همسر من عادت دارد که همه موضوعات را بزرگ جلوه دهد. مشکل ما این است که او مخالف پیشرفت من است و تلاش می کند در گذشته بماند. من هم در این مدت فهمیدم زندگی کردن با چنین آدمی چقدر سخت است اما چون دوست داشتم تحمل کردم. آقای قاضی همسر من خواهد که همه فعالیت‌هایم را در فضای مجازی تعطیل کنم در حالی که او من را از ابتدای شناختن من می دانست که من برای کارم در فضای مجازی ارزش زیادی قائلم و نمی توانم حرف‌هایش را بپذیرم. من با پیام‌های دنیال کتنده‌هایم زندگی می کنم اما همسر من اصرار می کند که پیام‌هایم را بنویسم و پستی هم نگذارم که برایم قابل درک نیست. دقیقاً مثل یک سایبر با من

گروه حوادث - صبح یکی از روزهای آخرین ماه سال در حالی که بسیاری از خانوادها به دنیال خانه تکانی و خرید شنبه‌بند و نوزج جوانی پشت در یکی از شعبه‌های مجتمع قضایی خانواده در آستانه جدایی به انتظار ایستاده بودند.

نیمه ۲۴ ساله و سارا ۲۲ ساله با برگه ابلاغیه‌ای در دست پشت در یکی از شعبه‌ها در انتظار زمان رسیدگی به پرونده‌شان بودند. دقایقی بعد مدیر دفتر آنها را به داخل شعبه فراخواند. با اجازه قاضی وارد شعبه شدند و با چند صندلی فاصله از هم رویه‌روی قاضی نشستند.

لحظاتی بعد و در حالی که قاضی جزئیات دادخواست را بررسی می کرد نیمه بدون مقدمه گفت: آقای قاضی از دست این زن خسته شدم هنوز یک سال از زندگی مشترکمان نگذشته اما ببینید به کجا رسیدم که ترجیح دادم مسیرمان را از هم جدا کنیم.

**قاضی سرش را بالا آورد و گفت: از چی خسته شدی؟ آرام و کامل توضیح بده بی‌نیاز مشکل شما چیست؟**

نیمه گفت: یک سال و نیم پیش در یکی از شبکه‌های اجتماعی با صفحه مجازی سارا آشنا شدم. آنقدر حرف‌های قشنگ و جملات زیبایی نوشته بود که ناخودآگاه فکر کردم اگر با او زندگی کنم خوشبخت‌ترین مرد روی زمین هستم. یک روز که او همه

## خیانت‌های تو در توی یک زن و شوهر، دختری ۱۸ ساله را قربانی کرد!



گروه حوادث - از ماجرای استخدام یک پرستار کودک برای توجیه خیانت زن به شوهرش و انتقام خیانت گونه شوهر از همسرش پرده برداشته شد.

این ماجرا با این نقل قول از قربانی آغاز می شود: از شوهرم طلاق گرفته بودم که مردی مرا برای پرستاری از کودکش استخدام کرد اما خیلی زود فهمیدم که من قربانی خیانت آشکار همسر آن مرد هستم.

در ادامه آمده است: «زن ۱۸ ساله به نام مهسا با بیان این مطلب به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری معراج شهید گفت: ۱۵ ساله بودم که پدرم بدون نظرخواهی از من به خواستگار ۲۲ ساله‌ام پاسخ مثبت داد اما «تورج» هیچ توجهی به من نداشت و خیلی سرد با من رفتار می کرد. وقتی هیچ محتوی از نامزد من ندیدم، علت رفتارش را جویا شدم. او هم خیلی راحت به چشم‌مان خیره شد و گفت: ۳ سال قبل عاشق دختری شدم و قصد ازدواج با او را داشتم اما پدرش آن دختر را به اجبار به جوان دیگری شوهر داد. ولی او بعد از ۳ سال و در حالی که یک فرزند داشت از شوهرش طلاق گرفت. در این شرایط بود که من تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم ولی پدر و مادرم به شدت مخالفت کردند و مدعی بودند که من نمی توانم با زن مطلقه‌ای که یک فرزند هم دارد ازدواج کنم. به همین دلیل آن‌ها به خواستگاری تو آمدند و من با این تصور با تو ازدواج کردم که چند ماه بعد تو را طلاق می دهم و سپس به عنوان مردی که یکبار از ازدواج ناموفق داشته است به سراغ آن زن مطلقه می روم و با او ازدواج می کنم.

با شنیدن این جملات دیگر نمی فهمیدم تورج چه می گوید. گیج و متنگ بودم و ایندهام را به تاراج رفته می دیدم. این بود که خودم از تورج جدا شدم و برای مخارج زندگی در یک کارگاه شیرینی پزی کار می کردم اما ۳ ماه بعد آن شغل را رها کردم، چرا که درآمد کمی داشت. «بعد از این ماجرا در سایت دیوار به آگهی استخدام پرستار برای ۲ کودک برخورد کردم. وقتی با پدر کودک کان صحبت کردم حقوق خوبی پیشنهاد کرد اما شرط گذاشت که باید در کنار آن‌ها زندگی کنم و او اتاق و همه امکانات زندگی را در اختیارم قرار می داد و من باید از ۲ دختر خردسال مراقبت می کردم.

اگرچه پدرم ابتدا مخالفت کرد اما بعد از گفت‌وگو با آن زوج جوان رضایت داد. حالا حدود یک ماه بود که من در منزل موسی و همسرش زندگی می کردم و خیلی زود با آن‌ها انس گرفتم. شما خانم خیلی به من محبت می کرد؛ گویی که من عضوی از خانواده آن‌ها بودم. با هم به رستوران و تفریح می رفتیم تا این که یک روز شنیدم شما به همسرش خیانت کرده‌است. ابتدا به این خانواده مشکوک شدم ولی سعی می کردم این سوءظن را فراموش کنم».

گروه حوادث - صبح یکی از روزهای آخرین ماه سال در حالی که بسیاری از خانوادها به دنیال خانه تکانی و خرید شنبه‌بند و نوزج جوانی پشت در یکی از شعبه‌های مجتمع قضایی خانواده در آستانه جدایی به انتظار ایستاده بودند.

نیمه ۲۴ ساله و سارا ۲۲ ساله با برگه ابلاغیه‌ای در دست پشت در یکی از شعبه‌ها در انتظار زمان رسیدگی به پرونده‌شان بودند. دقایقی بعد مدیر دفتر آنها را به داخل شعبه فراخواند. با اجازه قاضی وارد شعبه شدند و با چند صندلی فاصله از هم رویه‌روی قاضی نشستند.

لحظاتی بعد و در حالی که قاضی جزئیات دادخواست را بررسی می کرد نیمه بدون مقدمه گفت: آقای قاضی از دست این زن خسته شدم هنوز یک سال از زندگی مشترکمان نگذشته اما ببینید به کجا رسیدم که ترجیح دادم مسیرمان را از هم جدا کنیم.

**قاضی سرش را بالا آورد و گفت: از چی خسته شدی؟ آرام و کامل توضیح بده بی‌نیاز مشکل شما چیست؟**

نیمه گفت: یک سال و نیم پیش در یکی از شبکه‌های اجتماعی با صفحه مجازی سارا آشنا شدم. آنقدر حرف‌های قشنگ و جملات زیبایی نوشته بود که ناخودآگاه فکر کردم اگر با او زندگی کنم خوشبخت‌ترین مرد روی زمین هستم. یک روز که او همه

گروه حوادث - صبح یکی از روزهای آخرین ماه سال در حالی که بسیاری از خانوادها به دنیال خانه تکانی و خرید شنبه‌بند و نوزج جوانی پشت در یکی از شعبه‌های مجتمع قضایی خانواده در آستانه جدایی به انتظار ایستاده بودند.

نیمه ۲۴ ساله و سارا ۲۲ ساله با برگه ابلاغیه‌ای در دست پشت در یکی از شعبه‌ها در انتظار زمان رسیدگی به پرونده‌شان بودند. دقایقی بعد مدیر دفتر آنها را به داخل شعبه فراخواند. با اجازه قاضی وارد شعبه شدند و با چند صندلی فاصله از هم رویه‌روی قاضی نشستند.

لحظاتی بعد و در حالی که قاضی جزئیات دادخواست را بررسی می کرد نیمه بدون مقدمه گفت: آقای قاضی از دست این زن خسته شدم هنوز یک سال از زندگی مشترکمان نگذشته اما ببینید به کجا رسیدم که ترجیح دادم مسیرمان را از هم جدا کنیم.

**قاضی سرش را بالا آورد و گفت: از چی خسته شدی؟ آرام و کامل توضیح بده بی‌نیاز مشکل شما چیست؟**

نیمه گفت: یک سال و نیم پیش در یکی از شبکه‌های اجتماعی با صفحه مجازی سارا آشنا شدم. آنقدر حرف‌های قشنگ و جملات زیبایی نوشته بود که ناخودآگاه فکر کردم اگر با او زندگی کنم خوشبخت‌ترین مرد روی زمین هستم. یک روز که او همه

## دستگیری گل فروش خیابانی به خاطر ۳ قتل



گروه حوادث - مرد جوان که هنگام گلفروشی کنار خیابان در یک نواز خونین سه نفر را قتل رسانده بود پس از حدود سه سال زندگی مخفیانه توسط کارآگاهان جنایی بازداشت شد.

ساعت ۱۰:۳۰ شامگاه یکشنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۴۰۰، قتل سه مرد جوان به بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. به دنبال این خبر تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز و در بررسی‌ها مشخص شد، ۳ مرد جوان که زخمی شده بودند پس از انتقال به بیمارستان جان‌شان را از دست داده‌اند.

در ادامه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت راهی محل درگیری در محله نظام آباد شدند و با بررسی صحنه درگیری دریافتند، ۳ پسر جوان ۲ نفر که با خودروی نیسان آبی کنار خیابان در حال گلفروشی بودند بر سر موضوعی درگیر شده‌اند و این قتل‌ها رقم خورده است.

مشخصات خودروی نیشن به پلیس اعلام شد و مأموران بلافاصله طرح مهار را اجرا کرده و موفق شدند راننده خودرو را دستگیر کنند. اما عامل اصلی جنایت موفق به فرار شد.

راننده نیسان در حالی که منکر قتل‌ها بود، گفت: دوستم عامل قتل‌ها بود، او اطلاعات زیادی در رابطه با گلفروشی داشت، به همین خاطر پیشنهاد داد که با خودروی نیسانم از بازار، گل بیاورم و کنار خیابان بفروشم البته در آمدش هم خوب بود. شنب حادثه با احمد در حال فروش گل بودیم و مشتری‌ان زیادی داشتیم که ناگهان یک خودروی پژو با ۳ نفر نشین جوان در نزدیکی بساط ما توقف کردند و یکی از آنها که در کنار راننده نشسته بود از خودرو پیاده شد و بدون اجازه سه گلدان برداشت و رفت احمد او را صدا کرد و گفت: پول گلدان‌ها را بده اما ناگهان دوستانش هم پیاده شدند و بعد سر این موضوع که اینجا محله آنهاست و ما باید برای کاسبی از آنها اجازه بگیریم با ما دعوا کردند. می گفتند گلدان‌ها را بردارند و کسی نمی تواند بدون اجازه آنها در این محل کاسبی کند.

آنها به ما حمله کردند و کسی هم جرأت نمی کرد که به کمک ما بیاید، احمد با چاقو برای فرار از دست تک‌هایشان به آنها حمله کرد و هر سه را زد. به دنبال اظهارات متهم جوان، تحقیقات برای دستگیری احمد ادامه یافت و بررسی‌های کارآگاهان جنایی نشان می داد که پسر جوان تهران را ترک کرده است.

با این حال تحقیقات برای دستگیری متهم فراری در دستور کار کارآگاهان جنایی بود تا اینکه در نهایت موفق شدند رد متهم را در غرب کشور به دست آورده و او را دستگیر کنند.

متهم در تحقیقات اولیه به قتل اعتراف کرد و گفت: ما برای اینکه کار کنیم پول حلال در بیاریم در حال گلفروشی بودیم اما مقتولان برای ما ایجاد مزاحمت کردند و ناخواسته دست به قتل زدیم. در این مدت هم عذاب وجدان داشتم و هم از ترس دستگیری مجبور بودم مدام محل زندگی‌ام را تغییر دهم تا دستگیری نشوم. از کاری که کرده‌ام به شدت پشیمانم و زندگی خودم هم نابود شد. به دستور بازپرس محمد مهدی پراغه از شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران، متهم در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

## نیازمندی‌های روزانه جزیره کیش

<p><b>نیازمندی‌ها</b></p>	<p>تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)</p> <p>سایت: www.eghtesad-kish.ir</p>	<p><b>استخدام</b></p>	<p><b>جویای کار</b></p>
<p><b>مفقودی</b></p> <p>اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۱۷۵۹۱/۰۱ به نام کیان مهر اشکان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد</p>	<p><b>درب اتوماتیک</b></p> <p>درب های اتوماتیک دار کوب ۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲</p>	<p><b>کارشناس ارشد شیمی</b></p> <p>دارنده مدرک کارشناسی ارشد شیمی با سابقه کار مسئول آزمایشگاه و مسئول تحقیقات در زمینه شیمی جویای کار بعنوان کارشناس یا مسئول آزمایشگاه در کیش می باشد. تلفن تماس: ۰۹۱۳۹۶۶۴۴۲۵</p>	<p><b>استخدام گرافیک</b></p> <p>گرافیک آشنا به فتوشاپ مورد نیاز است. متقاضیان به نشانی، خیابان فردوسی، ویلاهای مروارید، بلوک B3، طبقه سوم، واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<p>اصل سند خودرو کیا ریو مدل ۲۰۱۶ به رنگ سفید - روغنی و شماره پلاک ۱۸۳۳۴ و شماره شاسی ۵۹۴۶۰۵۰ و شماره موتور ۵۹۴۰۲۳ به نام فرهاد فرید مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.</p>	<p><b>حمل بار</b></p> <p>حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>	<p><b>خشکشویی</b></p> <p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ - ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ با مدیریت عسکری</p>	<p><b>خدمات برق</b></p> <p>انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>
<p><b>خیاطی</b></p>	<p><b>خیاطی حبیبی</b></p> <p>بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸</p>	<p><b>خدمات</b></p>	<p>از مترجم متن زبان، فارسی به انگلیسی به صورت پاره وقت دعوت به عمل می آید. ۴۴۴۲۴۹۹۹</p>
<p>۴۴۴۲۴۹۹۹</p> <p>با یک تماسی مشترک شوید</p>	<p>۴۴۴۲۴۹۹۹</p> <p>با یک تماسی مشترک شوید</p>		

## صنایع چوب - حلاج کیش

کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲